

صبا گر چاره داری وقت وقت است

این چه استغناست یارب وین چه قادر حکمت است

این همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

من هم نظیر کثیری از هموطنان، نگران وضعیت بغرنج و پیچیده این روزهای مملکت هستم و نظاره گر روزهای پر تب و تاب و آشوبناک. در پایان روز ششم تجمعات اعتراضی که از مشهد آغاز شده و اکنون اقصی نقاط کشور را در نوردیده، بیست و یک نفر کشته شده و بالغ بر هزار نفر دستگیر شده اند. مطابق با آنچه اعلام شده، کثیری از دستگیر شدگان بیست تا بیست و پنج ساله اند و متولد دهه هفتاد، در میان کشته شدگان دو دانش آموز هم دیده می شود. منتسب کردن این اعتراضات به کشورهای خارجی، نظیر آنچه دبیر شورای امنیت ملی اخیراً گفته، هم اذعان به ناتوانی مفرط خود است که با فراخوان دولت های خارجی، هموطنان به خیابان می آیند و با توپ و تشر پلیس و نیروهای انتظامی به خانه ها بر نمی گردند، هم چشم بر بستن و ندیدن بانگ اعتراض به حق جماعت و نسلی است که پس از انقلاب بهمن ۵۷ متولد شده و با معضلات و گیر و گرفت های جدی و عمیق معیشتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دست و پنجه نرم می کنند؛ تبعیض ساختاری و نهادینه شده در کشور را به عیان لمس می کنند و در افق برونشوی برای آن نمی بینند و سراغ ندارند؛ خودی و غیر خودی کردن مردم و در دسترس بودن کثیری از امکانات تنها برای خودی ها را می بینند و دستشان به جایی نمی رسد و نصیب شان خون خوردن است و لا غیر. مدد گرفتن از ابزار خشونت برای سرکوب جماعت معترضان، نه اخلاقی و انسانی است، نه در میان مدت راهی به جایی می گشاید؛ که ممکن است امروز خاموش شود و به محاق رود؛ اما به آتش زیر خاکستر می ماند که به وقتش و در مجال و سیاقی دیگر، دوباره سر برمی آورد. هم تخریب اموال عمومی توسط معترضان ناصواب است؛ هم سرکوب دل آزار ایشان توسط نیروهای نظامی و امنیتی. هر چند جنبش اعتراضی اخیر رهبر ندارد (بر خلاف جنبش سال ۸۸)، در عین حال بسنده کردن به سخنان کلی ای از قبیل تظاهرات کردن مسالمت آمیز حق معترضان است (نظیر بیانیه اخیر مجمع روحانین مبارز)، در این میان کافی نیست و دردی را دوا نمی کند. اگر بناست گره فرو بسته کنونی گشوده شود، باید نماینده های اصناف و سندیکاها، همچنین شخصیتهای وجیه المله، خواسته های مشخص معیشتی و سیاسی معترضان را علناً با رئیس جمهور در میان بگذارند؛ او نیز به سمع قبول آنها را بشنود و در اولین فرصت بدانها جامه عمل بپوشد (نه اینکه وعده سر خرمن بدهد). روحانی می تواند درباره نهادهایی چون «آستان قدس رضوی» که نظارتی بر آنها صورت نمی گیرد و مالیات نمی دهند، با مردم سخن بگوید؛ می تواند لایحه بودجه سال ۹۷ را اصلاح کند و فقراتی از آنرا در راستای بهبود وضعیت معیشتی شهروندان تغییر دهد و در این باب به مردم توضیح شفاف بدهد؛ می تواند درباره نهادهای عریض و طویلی که در کشور فعالیت های گسترده دارند و بودجه های نجومی دریافت می کنند و از هر حیثی غیر پاسخگویند، به عنوان منتخب مردم با پشتوانه بیست و چهار میلیون رای، با شهروندان سخن بگوید؛ می تواند در جهت باز شدن فضای سیاسی حقیقتاً بکوشد و از موانع راه با مردم حرف بزند؛ می تواند ... در غیر اینصورت، این قافله تا به حشر لنگ می ماند.

«صبا گر چاره داری وقت وقت است». روحانی باید فرصت را مغتنم شمارد و به مردم آشکارا توضیح دهد که به گفته خود، دویست هزار میلیارد تومانی که در اختیار او نیست، چگونه و به دست چه کسانی در کشور خرج می شود و شهروندان عادی چه سهم و حظی از آن دارند؟؟ در غیر اینصورت، با تحفظ پیشه کردن و سخنان کلی گفتن، زخمی که سر باز کرده، دیر یا زود عفونت خواهد کرد و نمی توان برای آن مرهمی تدارک دید.

جنبش اعتراضی سال ۸۸ سرکوب شد، اما معترضان قانع نشدند. اگر جنبش اعتراضی دیماه ۹۶ هم سرکوب گردد و تلخی ها و سرخوردگی ها و بغض ها و نفرت ها و کینه های ستبر بر هم انباشته شوند؛ کاملاً متصور است که به بهانه ای دیگر، در آینده ای نه چندان دور، مجدداً با خیزشی اجتماعی مواجه شویم؛ آنگاه آب های انبوه پشت سد، سیل وار جاری می شوند و همه جا را در می نوردند و سوگمندان، نه از تاک نشان می ماند و نه از «تاک نشان». دریغ است که ایران، ایرانستان و سوریه ای شود.